

الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)

سال ششم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

ص ۸۹-۱۰۶

الگوی ارتباطات میان فرهنگی مسلمانان با مسیحیان در قرآن کریم

حبیب‌رضا ارزانی * حامد اهتمام **

چکیده

در ارتباطات میان فرهنگی که به‌عنوان فرایند مبادله اندیشه‌ها، معانی و کالاهای فرهنگی میان مردمانی از فرهنگ‌های مختلف، تعریف شده‌است، توسل به الگویی که بتواند زندگی اجتماعی انسان‌ها را برای رسیدن به مفاهیم مشترک و زندگی مسالمت‌آمیز همراه با احترام متقابل هموار سازد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس، در پژوهش حاضر تلاش گردید با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل آیاتی از قرآن کریم پرداخته‌شود که ناظر به ارتباط با مسیحیان بوده و روند تعامل با آن‌ها را بیان می‌کند. یافته‌ها و نتایج تحقیق بیان‌کننده آن‌است که می‌توان الگویی هفت مرحله‌ای شامل تأیید برخی از مبانی اعتقادی مسیحیان، دعوت به وحدت، بشارت به مسیحیان حقیقی، هشدار و تهدید، دعوت به تفکر، بیان ویژگی‌های مسیحیان کافر و وعده عذاب و در نهایت دستور به مباحله و جنگ با آن‌ها را از قرآن کریم استخراج نمود. بنیان و محور اصلی در این الگو یگانگی خداوند است. از این‌رو، براساس قرآن کریم هر زمان که مسیحیان به این اصل نزدیک شوند با بشارت و احترام و هر جا که از آن دور شوند هشدار، تهدید، نفرین و مباحله را مبنای ارتباط مسلمانان با آن‌ها قرار داده‌است.

واژه‌های کلیدی

قرآن، مسیحیت، الگو، ارتباطات میان فرهنگی.

مقدمه

شباهت‌ها و تمایزهای میان دیدگاه‌های دانشمندان و متخصصان حوزه‌های گوناگون علوم بر سرمفاهیمی به ظاهر مشترک، موجبات نزدیکی یا جدایی آن‌ها را از یکدیگر در حوزه‌های کار و تحقیق به‌همراه دارد. یکی از این مفاهیم چگونگی ارتباط دو فرهنگ متفاوت با یکدیگر است؛ چراکه فرهنگ و ارتباطات هر دو فراگیرند و ضرورتی انسانی به شمار می‌روند، یعنی هر دو به نوعی پویا هستند و هیچ جامعه انسانی را بدون این دو پدیده نمی‌توان تصور کرد. بنابراین، آنچه در واقعیت بیرونی و در زندگی اجتماعی انسان مشاهده می‌شود، به صورتی به هم پیوسته و درهم تنیده بوده که هدف از آن، دستیابی به اقدام هماهنگ بین پیام‌دهنده و گیرنده پیام است.

از این رو در ارتباطات میان‌فرهنگی که به عنوان فرایند مبادله اندیشه‌ها، معانی و کالاهای فرهنگی میان مردمانی از فرهنگ‌های مختلف، تعریف شده است (رضی، ۱۳۷۷: ۳۵) توسل به الگویی، ضروری می‌نماید که بتواند زندگی اجتماعی انسان‌ها را برای رسیدن به مفاهیم مشترک و زندگی‌مسالمت‌آمیز همراه با احترام متقابل معرفی کند.

لذا در دنیای امروز که به عصر اطلاعات و ارتباطات شهرت یافته است و با عنایت به لزوم ارتباط ادیان توحیدی برای انسجام بخشی و وحدت هرچه بیشتر در مقابل دنیای سکولاریسم، شناخت و تبیین الگوی ارتباطی از منبع و حیانی (قرآن) می‌تواند در تعالی و ارتقاء روابط مومنین (اسلام) با سایر ادیان الهی حائز اهمیت باشد. دین اسلام هم به عنوان دینی اجتماعی، دستورات و توصیه‌هایی مبنی بر چگونگی ارتباط و تعامل مومنین با یکدیگر و دیگر جوامع انسانی اعم از توحیدی و غیرتوحیدی بیان نموده است.

از این رو با توجه به فاصله فرهنگی اسلام و مسیحیت در دنیای امروز و در عین وجود اشتراکات بسیار زیاد، بین

این دو دین ابراهیمی، در این جستار به دنبال بررسی و تبیین الگوی ارتباطی میان فرهنگی اسلام و مسیحیت با رویکرد قرآنی هستیم. این تحقیق می‌تواند به عنوان رویکردی نوین و علمی، برای چگونگی ارتباط میان فرهنگی اسلام با سایر ادیان مورد توجه قرار گیرد.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱. الگو:

الگو (Pattern) در یک معنای کلی به عنوان مدل، انگاره، شکل و نمونه، قالب، طرح، منوال و نقش تعریف شده است (شایان مهر، ۷۹: ۱۳۷۷؛ بریجانیان، ۱۳۸۵: ۴۱۹). در حقیقت، الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی است (سورین و ورنر، ۱۳۸۶: ۶۵). از این رو الگو مدل، طرح و نمونه‌ای خواهد بود که از آن الهام گرفته و پیروی شده و یا نسخه‌ای از آن برداشته می‌شود. (روشه، ۱۳۷۹: ۴۴)

۱-۲. ارتباطات میان فرهنگی:

برای رسیدن به تعریفی جامع از ارتباطات میان فرهنگی، می‌بایست تعریفی از فرهنگ و ارتباطات داشت و در ادامه رابطه این دو مقوله را بیان نمود. (رضی، ۱۳۷۷: ۳۹) شاید جامع‌ترین تعریف از فرهنگ، ویژه تایلر باشد. وی به سال ۱۸۷۱م در کتاب خود با نام فرهنگ ابتدایی، بر این باور بود که فرهنگ «مجموعه پیچیده‌ای است که شامل: معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو، از جامعه خود فرا می‌گیرد، و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را برعهده دارد» (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۷)

در زمینه ارتباطات نیز تعریف‌های گوناگونی ارائه

یهودیت و زرتشت) متون الهیاتی موجود است که پیروان آن ادیان ضمن قداست ربوبی که برای آن (و آورنده‌اش) قائل‌اند، تمامی پیشینه، اعتقادات، آداب و رسوم و احکام دین خود را منسوب و مأخوذ از آن متون دانسته، اوامر و نواهی آن را ملزم بوده و آن را ضامن هدایت و سعادت بشر در جمیع شوون دنیوی و اخروی می‌دانند.

در دین مبین اسلام نیز «قرآن» اولین متن الهیاتی، منبع و حیانی و ثقل اکبر است.

واژه قرآن، در اصل مصدر است و به معنای هر چیز خواندنی (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۶۶۸)، اما ارباب لغت قائل‌اند که این واژه اسم علم بوده و به کتابی که بر حضرت محمد بن عبدالله (ص) آخرین فرستاده خدا نازل شده، اطلاق می‌گردد و وجه تسمیه آن از این جهت می‌باشد که این کتاب خواندنی است و باید خواند و در معانی‌اش تدبیر نمود. (قرشی، ۱۳۸۴: ۲۶۲) قرآن (علاوه بر نزول دفعی در شب قدر بر قلب پیامبر (ص)، در طول بیست و سه سال (از بعثت تا رحلت) به صورت تدریجی و به مقتضای احوال و نیازها، از جانب خدا فرود آمده است (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۲۷۵) که شامل یک صد و چهارده بخش (سوره) می‌باشد که هر بخش تعدادی از آیات قرآن را در بر گرفته و مجموعاً شامل ۶۲۳۶ آیه و ۳۲۱۲۵۰ حرف می‌باشد (قرشی، ۱۳۸۴: ۲۹۱). از شاخصه‌ها و تفاوت‌های اساسی این کتاب با دیگر کتب آسمانی (چون تورات و انجیل) این است که مسلمانان، ویژگی‌هایی برای آن قائل‌اند که پیروان دیگر ادیان، مدعی چنین اوصافی برای کتب آسمانی خویش نمی‌باشند. مسلمان معتقدند «تمامی کلمات و حروف این کتاب، وحی الهی است که از جانب خدا و لوح محفوظ، از طریق فرشته امین الهی بر قلب پیامبر نازل شده و ایشان مستقیماً آن را برای مردم تلاوت کرده‌اند.» (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲۴۵). در حالی که پیروان دیگر ادیان، کتب آسمانی

شده است. برای این مفهوم نیز تعاریف متعددی ارائه شده است. برخی محققان ارتباطات را « عبارت از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آن که در گیرنده پیام، مشابهت معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود» (محسنیان‌راد، ۱۳۶۹: ۳۸)، تعریف کرده‌اند.

با توجه به این تعریف، ارتباطات میان‌فرهنگی، شامل کنش متقابل واقعی افراد از فرهنگ‌های گوناگون می‌باشد. از این رو، این گونه ارتباطات می‌تواند به‌عنوان فرایند مبادله اندیشه‌ها، معانی و کالاهای فرهنگی میان مردمانی از فرهنگ‌های مختلف (رضی، ۱۳۷۷: ۴۲)، تعریف شود.

۱-۳. مسیحیت

مسیحیت از بزرگترین ادیان زنده جهان است که در یک نوع تقسیم‌بندی در شاخه ادیان غربی یا ادیان سامی می‌گنجد. این دین با دو دین هم‌خانواده‌اش (یهودیت و اسلام) به واسطه این که اصل خود را به ابراهیم خلیل برمی‌گرداند، ادیان ابراهیمی خوانده می‌شوند. با این که مسیحیت در بسیاری از اصول با دو دین دیگر شباهت دارد، اما اختلافش با آن دو بسیار بیشتر از تفاوت آن دو دین با همدیگر است. مسیحیت دارای اصولی است که با دو دین دیگر به‌طور ریشه‌ای متفاوت است. با این حال در مورد برخی اصول از جمله؛ دو اصل اساسی مبدا و معاد اختلاف اندکی بین سه دین دیده می‌شود و بر خلاف اصول دیگر تنها همین دو اصل است که در تاریخ مسیحیت مورد مناقشه فرقه‌ای قرار نگرفته است. نظام عقیدتی این آیین در طی قرن‌های گذشته به شکل کنونی درآمده و در پی همین مناقشات فرقه‌های متعددی با اندیشه‌ها و اعمال متنوع پدید آمده است. (کاکس، ۱۳۷۸: ۷۸)

۲- جایگاه قرآن در تولید الگو

در هر یک از ادیان توحیدی (اسلام، مسیحیت،

خویش را نقل به معنا دانسته و تنها مفاهیم و مضامین آن را الهی می‌دانند، نه خود الفاظ را. همچنین مسلمانان معتقدند این کتاب معجزه جاوید رسول خدا(ص) می‌باشد و با داشتن جنبه‌های مختلف اعجازی چون؛ فصاحت و بلاغت، اخبار غیبی، عدم تناقض و تعارض... هیچ‌کس نتوانسته و نمی‌تواند مانند آن را بیاورد.(قرشی، ۱۳۸۴:۲۶۳) و دیگر آن‌که جمهور مسلمین معتقدند که قرآن به هیچ‌وجه تحریف(به زیادت و نقصان) نشده و تمامی کلمات آن، هم زمان با نزول، توسط کتاب وحی و با نظارت رسول‌الله(ص) به ثبت رسیده‌است. که این عدم تحریف، با دلایل مختلف عقلی و نقلی قابل اثبات است(همان: ۲۶۳) و این در حالی است که دیگر کتب آسمانی چون تورات و انجیل، سال‌ها پس از حضرت موسی و عیسی(ع)، توسط شاگردان و با بیان و برداشت شخصی آن‌ها تدوین گردیده که مسلماً تغییراتی در آن‌ها صورت گرفته است. مسلمانان برای قرآن، مرتبه و منزلت والائی قائل بوده: حسن تلاوت آیات آن، مسرّ همراه با طهارت، فضیلت استماع و نگاه به آیات آن و... از دیگر معتقدات منحصره فرد مسلمین نسبت به این کتاب آسمانی است.(حسینی، ۱۳۷۹:۲۸۲)

۳- مواجهه قرآن با فرهنگ مسیحیت

مطابق دیدگاه رایج، قرآن به لحاظ لفظ و معنا عین کلام خداوند است. اما در عین حال همین کلام به شرایط نزول خود نیز نظر دارد. اگر تنها یک تفسیر از این کلام در اختیار آدمیان قرار می‌گرفت، در عصر نزول وحی که همانا شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شبه‌جزیره عربستان است، محبوس ماند؛ چرا که تفسیر هر کلامی رنگی از اقتضائات زمان و مکان خود را دارد؛ اما شارع، مهر خاتمیت بر این کلام نهاده و آن احتباس را روا نداشته‌است. این امر مسئولیت فهم این کلام را در هر

عصر بر دوش دین‌داران می‌نهد.

مواجهه قرآن با شرایط فرهنگی عصر خود نماد مواجهه آن با شرایط فرهنگی عصرهای دیگر است. هیچ دینی از ادیان در سرزمین لم‌یزرع فرهنگی نازل نشد و بر لوحی سفید پیام خویش ننکاشت، بلکه، همیشه در میان محصولات فرهنگی سرزمین نزول خود فرود آمد. این محصولات با نتیجه تعقل و تفکر آدمیان است که همانا حجت باطنی آن‌هاست و یا نتیجه باورهای دینی پیشین و یا هر دو.

پرسش مهم و حیاتی دین‌دار در شناخت آن این است که مواجهه قرآن با فرهنگ‌های عصر خویش چگونه بوده‌است؟ و دین چه نقشی در میان این محصولات فرهنگی داشته‌است؟ آیا دین با نزولش ندای ویرانی این محصولات و بنای کاخ نوین فرهنگی بر آن ویرانه‌ها را در داده‌است و یا ندای اصلاح؟ این نوشتار در پی آن است که به‌نحوی به این پرسش‌ها پاسخ گوید.

فرهنگ شبه‌جزیره عربستان که مسیحیت یکی از آن‌هاست مهبط وحی شد و ادبیات، فرهنگ واژگان و شیوه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان در رویارویی و تعامل با فرهنگ قرآنی قرار گرفت. قرآن، روحی بود که در پاره‌ای عناصر این فرهنگ‌ها تجسد یافت و از همان آغاز به تفرج در این فرهنگ‌ها پرداخت؛ هر جا لازم می‌دید به بسط یا تضییق آن‌ها دست می‌زد و یا با سکوت خویش آن‌ها را به عقول و ذائقه‌ها می‌سپرد. قرآن بسیاری از قالب‌های فرهنگی شبه جزیره را دست نخورده باقی گذاشت؛ اما، مفاهیم و محتویات آن‌ها را گاه حفظ کرد و گاه دگرگون، گاهی هم آن‌ها را تصعید بخشید.

اما آنچه در این نوشتار در پی اثبات آن هستیم این است که، مواجهه قرآن با فرهنگ‌های زمان خویش مواجهه‌ای بنیان‌کن نبود، بلکه مواجهه‌ای از نوع تعاطی فرهنگی بوده‌است. (پویا، ۱۳۸۵:۱۰)

همچنین اصول کلی زیر برای ارتباط موثر و کارآمد با دیگر فرهنگ‌ها بیان شده و در قرآن کریم به این اصول توجه شده است. (گودیکانست، ۱۳۸۸: ۱۴)

از آنجایی که قرآن دین خاتم است، بی شک مواجه آن با فرهنگ‌های مختلف مواجهه‌ای مستمر خواهد بود و لذا بررسی مواجهه قرآن با فرهنگ‌های زمان نزولش اصول مواجهه آن با فرهنگ‌های عصرهای دیگر را به دست می‌دهد.

جدول ۱: اصول کلی برای ارتباط موثر و کارآمد با دیگر فرهنگ‌ها

قصد ارتباط داشتن			پذیرش مقابل
عقلانیت	مهارت در ارتباط	شیوه اثرگذاری غیر اجباری	دانش و اطلاع از فرهنگ دیگران
فضایی حمایتی	انگیزش در ارتباط سالم	دانش از فرهنگ مقابل	حداقل رساندن سوء تفاهم‌ها
دوری از تعصب و پیش داوری	داشتن اعتماد رفتار انعطاف پذیر	خطاب کردن دیگران همان‌طور که دوست دارند	رسیدن به تفاهم دوجانبه
درک پیام	دوری از کلام تنفرآمیز	شناسایی تفاوت‌ها و شباهت‌ها	احترام برای دیدگاه‌های دیگران
پیام را مطابق فهم دیگران ارسال کنیم	تناسب پیام با موقعیت دیگران براساس بافت کلامی، بافت رابطه، بافت محیطی	کاهش ابهام براساس هم‌دلی، توانایی سازگاری، تبیین دقیق رفتارها	کاهش اضطراب بر اساس توانایی هوشیاری، توانایی تحمل ابهام، توانایی مهار اضطراب

وجود دارد که امکان دارد در غالب یکی از واژه‌های فوق نبوده، ولی به نوعی مرتبط با بحث مسیحیت باشد و لذا عدم عنایت به چنین آیاتی، محقق را از رسیدن به نتایج صحیح و برحق دور نگه می‌دارد.

در قرآن کریم به‌طور کلی ۲۵۷ آیه در مورد اهل کتاب آمده است که از میان آن در حدود ۱۵۷ آیه مختص به مسیحیان است که عمده آیات ناظر به موضوع پژوهش در سوره‌های بقره، آل عمران و مریم به شرح ذیل می‌باشد.

۴- شیوه‌های ارتباطی قرآن کریم با مسیحیان

در این بخش مجموعه‌ای از آیات گردآوری شده که به نوعی مربوط به آیین مسیحیت و شیوه‌های ارتباطی قرآن با مسیحیان می‌باشد. روش استخراج آیات براساس جستار موضوعی و جستجوی واژگان کلیدی مربوط به مسیحیت (مانند عیسی، مریم، نصاری، اهل کتاب و...) نبوده، بلکه در این مجموعه، قرآن به‌طور کامل مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. ضرورت این روش گردآوری از آن جهت بوده که بسا در قرآن آیات زیادی

جدول شماره ۲: آیات ناظر به اهل کتاب در قرآن

ردیف	نام سوره	تعداد آیات	شماره آیات
۱	سوره بقره (۲)	۳۲ آیه	۶۲-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۵-۸۷-۸۸-۸۹-۹۱-۹۷-۱۰۱-۱۰۵-۱۰۹-۱۱۱-۱۱۳-۱۱۶-۱۲۰-۱۲۱-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۴۰-۱۴۵-۱۴۶-۱۵۰-۱۵۹-۱۷۴-۱۷۶-۲۱۳-۲۵۳
۲	سوره آل عمران (۳)	۴۹ آیه	۳-۱۹-۲۰-۲۳-۳۵-۳۶-۳۷-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۲-۵۳-۵۵-۵۹-۶۱-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۵-۷۸-۸۱-۸۴-۹۳-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۸۶-۱۸۷-۱۹۹
۳	سوره نساء (۴)	۱۹ آیه	۴۴-۴۷-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۱۲۳-۱۳۱-۱۳۶-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۳-۱۷۲
۴	سوره مائده (۵)	۴۹ آیه	۵-۱۳-۱۵-۱۷-۱۸-۱۹-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۶۰-۶۱-۶۵-۶۶-۶۸-۶۹-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸
۵	سوره انعام (۶)	۱۰ آیه	۲۰-۸۵-۹۱-۹۲-۹۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۵۴-۱۵۶-۱۵۹
۶	سوره اعراف (۷)	۲ آیه	۱۵۷-۱۶۹
۷	سوره توبه (۹)	۵ آیه	۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۱۱۱
۸	سوره یونس (۱۰)	۲ آیه	۳۷-۹۴
۹	سوره هود (۱۱)	۲ آیه	۱۷-۱۱۰
۱۰	سوره یوسف (۱۲)	۱ آیه	۱۱۱
۱۱	سوره زمر (۱۳)	۲ آیه	۳۶-۳۷
۱۲	سوره اسراء (۱۷)	۲ آیه	۲-۱۰۷
۱۳	سوره مریم (۱۹)	۲۳ آیه	۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹
۱۴	سوره انبیاء (۲۱)	۴ آیه	۷-۴۸-۹۱-۱۰۵
۱۵	سوره حج (۲۲)	۲ آیه	۴۰-۴۱
۱۶	سوره مومنون (۲۳)	۲ آیه	۴۹-۵۰
۱۷	سوره شعرا (۲۶)	۲ آیه	۱۹۶-۱۹۷
۱۸	سوره نمل (۲۷)	۴ آیه	۷۶-۷۷-۷۸-۷۹
۱۹	سوره قصص (۲۸)	۴ آیه	۵۲-۵۳-۵۴-۵۵
۲۰	سوره عنکبوت (۲۹)	۲ آیه	۴۶-۴۷

۲۳	۱ آیه	سوره سجده (۳۲)	۲۱
۲۷-۲۶-۸-۷	۴ آیه	سوره احزاب (۳۳)	۲۲
۳۲-۳۱	۲ آیه	سوره فاطر (۳۵)	۲۳
۵۴-۵۳	۲ آیه	سوره غافر (۴۰)	۲۴
۴۵	۱ آیه	سوره فصلت (۴۱)	۲۵
۱۵-۱۴-۱۳	۳ آیه	سوره شوری (۴۲)	۲۶
۶۵-۶۴-۶۳-۶۱-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷	۸ آیه	سوره زخرف (۴۳)	۲۷
۳۰-۱۲	۲ آیه	سوره احقاف (۴۶)	۲۸
۲۹	۱ آیه	سوره فتح (۴۸)	۲۹
۱۶	۱ آیه	سوره حدید (۵۷)	۳۰
۱۴۹-۸-۷-۶	۴ آیه	سوره صف (۶۱)	۳۱
۱۲	۱ آیه	سوره تحریم (۶۶)	۳۲
۳۱	۱ آیه	سوره مدثر (۷۴)	۳۳
۶-۵-۴-۳-۲-۱	۶ آیه	سوره بینه (۹۸)	۳۴

۵- محوره‌های آیات مرتبط با مسیحیت

- تأیید حضرت عیسی (ع) در قرآن به این‌که ایشان آبرو و مقبولیت در دنیا و آخرت دارند (آل عمران: ۴۵).

پس از بررسی دقیق می‌توان آیات مرتبط با مسیحیت را در هفت محور کلی تقسیم نمود:

- تأیید حضرت عیسی (ع) در قرآن به این‌که نعمت‌های خدا به ایشان شامل سخن‌گفتن در گهواره، تکلم به زبان وحی، شایسته‌بودن، رسالت حضرت عیسی (ع) می‌باشد. (مائده: ۱۱۰).

۱-۵. تأیید برخی از مبانی مسیحیان (کتاب انجیل، حضرت عیسی (ع)، حضرت مریم (س) و حواریون)

- تأیید حضرت عیسی (ع) در قرآن به این‌که برخی از معجزات ایشان شامل ساختن مجسمه پرنده و زنده‌کردن آن به اذن خدا، شفای بیماران (کور نابینا- مبتلا به پستی) زنده‌کردن مردگان به اذن خدا، خبر از احوال مردم می‌باشد. (همان: ۴۹).

اولین شیوه ارتباط کارآمد با دیگران، تأیید و احترام به فرهنگ، مقدسات، آداب و رسوم ایشان می‌باشد.

قرآن کریم نیز به دنبال ایجاد همدلی و وفاق در ذیل سایه توحید و امت واحده می‌باشد، در مواجهه با فرهنگ مسیحیت این اصل را بیان کرده‌است که می‌توان آن را در چهار محور مورد بررسی قرارداد.

- تأیید حضرت عیسی (ع) در قرآن به این خصوصیت که ایشان تعلیم داده‌شده به کتاب (تعلیم خط و کتابت)، تورات، حکمت، انجیل شدند (همان: ۴۸).

۱-۱-۵. آیات مربوط به تأیید حضرت عیسی (ع) به همراه ویژگی‌های ایشان

- تأیید حضرت عیسی (ع) در قرآن به این ویژگی خاص که ایشان به آسمان عروج کرده‌است (همان: ۴۸).

- تأیید بعضی از ویژگی‌های حضرت عیسی (ع) در قرآن کریم به ایشان از جمله این‌که تصدیق کتاب تورات را

- تأیید رسالت حضرت عیسی (ع) در قرآن کریم به همراه دلایل روشن، توانایی وی به وسیله روح القدس (بقره: ۸۷ و ۲۵۳).

۵-۱-۲. آیات مربوط به حضرت مریم (س)

یکی از موضوعات بحث برانگیز در دین مسیحیت، ویژگی‌های حضرت مریم (س) و پاکدامنی اوست. قرآن کریم با بیان ویژگی‌ها و مختصات مادر حضرت مسیح (س) به عنوان زنی پاکدامن، راستگو و خداپرست اشاره دارد و در قرآن از او به‌عنوان یکی از زنان بهشتی و سرور زنان عالم یاد می‌شود.

در این بخش آیات مرتبط با حضرت مریم (س) که می‌تواند در ارتباط میان‌فرهنگی با مسیحیان مورد توجه قرارگیرد، را بیان خواهیم نمود:

- تأیید برخی از ویژگی‌های حضرت مریم (س) در قرآن به این‌که ایشان قداست و پاکی در زمان تولد داشته، دعا در حق حضرت مریم (س)، داشتن صورت زیبا، رشد نیکو، کفالت زکریا از حضرت مریم (س)، داشتن مائده و رزق آسمانی، خداپرستی وی، خدمت‌گذاری خانه خدا (آل عمران: ۳۵ تا ۳۷).

- برخی دیگر از ویژگی‌های ایشان به: پاک‌بودن حضرت مریم (س) و برتری ایشان بر زنان جهان، اهل عبادت، ارتباط با وحی که در قرآن کریم ذکر شده است. (آل عمران: ۴۷ و ۴۲ و ۴۳).

- مژده خدا به حضرت مریم (س) در مورد حضرت عیسی (ع) (آل عمران: ۴۵).

- تأیید حضرت مریم (س) در قرآن به راستگو و درست‌کار بودن (مائده: ۷۵؛ انبیاء: ۹۱).

- چگونگی بچه‌دار شدن حضرت مریم (س)، از کنارگیری تا وضع حمل و خوردن خرما و جاری شدن نهر و دستور به سکوت تا تکلم حضرت عیسی (ع) در گهواره که به‌طور خاص در قرآن کریم ذکر شده است (مریم: ۱۷ تا ۳۳).

- تأیید حضرت مریم (س) در قرآن به این‌که ایشان از نشانه‌های خداوند متعال است. (مومنون: ۵۰ و زخرف: ۵۹).

داشتند، دارای کتاب آسمانی انجیل و هدایت و نور و همچنین برای پرهیزکاران مایه هدایت و موعظه می‌باشند (همان: ۴۸)

- تأیید حضرت مسیح (ع) به این‌که ایشان رسول خدا و مادرش راستگو و درستکار است (همان: ۷۵)

- تأیید ایشان در قرآن کریم به این ویژگی که حضرت عیسی (ع) از صالحان است (همان: ۷۵)

- تأیید حضرت عیسی (ع) در قرآن به این ویژگی که ایشان خیر از رسالت خویش در گهواره دادند. (انعام: ۸۵)

- حضرت عیسی (ع) قول حق خدا در قرآن معرفی شده است. (همان: ۸۵)

- تأیید حضرت عیسی (ع) در قرآن به این‌که ایشان از نشانه‌های خدا هستند (همان: ۸۵).

- تأیید حضرت عیسی (ع) در قرآن به این خصوصیت که ایشان با معجزاتش سبب یقین به قیامت است. (همان: ۸۵).

و مراد از این‌که می‌فرماید: عیسی (ع) علم به قیامت می‌باشد، این است که وسیله علم به قیامت است. معنای آیه این چنین است که عیسی وسیله‌ای است که با آن می‌توان به قیامت علم یافت، برای این‌که هم خودش بدون پدر خلق شده، و هم مرده را زنده می‌کند، پس برای خدا کاری ندارد که قیامت را بپا کند، و موجودات مرده را زنده کند، پس در مسأله معاد شک نکنید، و به هیچ‌وجه تردید نداشته باشید (مریم: ۳۰).

- ویژگی دیگر حضرت عیسی (ع) در قرآن به این‌که ایشان همراه با حکمت و دلایل روشن می‌باشند (همان: ۶۳)

- تأیید ویژگی حضرت عیسی (ع) در قرآن که ایشان رسول خداست و مژده به پیامبر خاتم داده و تصدیق‌کننده تورات است. (صف: ۶)

خصوصیات یاران حضرت عیسی(ع) از نگاه قرآن می‌باشد. در مکتب اسلام(شیعه) نگاهی که به یاران حضرت مسیح(ع) وجود دارد، نگاه ارزشی و والایی می‌باشد. در تفسیر المیزان روایتی از کتاب عیون اخبارالرضا از حضرت رضا(ع) نقل شده است که شخصی از آن جناب پرسید: چرا یاران عیسی را حواری نامیدند، فرمود: اما از نظر مرد(یعنی علمای اهل سنت) بدین جهت بوده که یاران آن جناب شغل لباسشویی داشتند، جامه‌های مردم را از آلودگی پاک می‌کردند و این لفظ، از کلمه حوار در خبزالحوار، یعنی نان سفید گرفته شده. و اما از نظر ما اهل بیت وجه نامگذاری این بوده که یاران مسیح(ع) هم نفس خود را خالص کرده بودند و هم دیگران را با پند و اندرز از آلودگی گناهان پاک می‌کردند.(طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳، ۳۴۰).

در این بخش به ویژگی‌ها و نگاه قرآن به یاران حضرت مسیح(ع) می‌پردازیم:

- تأیید حواریون در قرآن به این خصوصیت که مومن و در برابر فرمان خداوند، تسلیم بودند(آل عمران:۵۲؛ مائده: ۱۱۱؛ صف: ۱۴)

- تأیید ایمان داشتن حواریون در قرآن به این که درخواست طعام برای اطمینان قلبی از حضرت عیسی(ع) داشتند.(مائده: ۱۱۲-۱۱۴)

۲-۵. دعوت به وحدت مسیحیان و مسلمانان

در این قسمت بعد از این که آیاتی مشتمل بر احترام به اعتقادات مسیحیت و تأیید آن و همچنین استفاده از کلمات ارزشی نسبت به حضرت عیسی(ع) و حضرت مریم(س) بیان شد، آیاتی در زمینه دعوت مسیحیان به اتحاد و هم‌دلی در سایه توحید، عبودیت و بندگی بیان می‌شود.

۱. وحدت براساس پیروی از ملت ابراهیم(ع) که دینی

- تأیید برخی از خصوصیات حضرت مریم(س) در قرآن به پاک‌دامنی، روح در او دمیده شده و کلمات پرودگارش و کتاب او را تصدیق کرد و از اطاعت کنندگان فرمان خدا بود.(تحریم: ۱۲)

۳-۱-۵. آیات مربوط به کتاب انجیل

یکی دیگر از مبانی فکری مسیحیت، کتاب انجیل و استناد به آن در امور اعتقادی و فکری و همچنین نظام اجتماعی مسیحیان می‌باشد. از این رو در قرآن ضمن تأیید اصل وجود کتاب انجیل به‌عنوان معجزه حضرت مسیح، خاطر نشان می‌کند که به‌لحاظ اعتقادی برای یک مسلمان احترام و اعتقاد به کتاب انجیل بدون تحریف از ملزومات و جزء مراتب اعتقادی به‌شمار می‌آید. این نگاه قرآنی می‌تواند برای یک ارتباط سازنده با مسیحیان مورد توجه قرارگیرد.

- تأیید کتاب انجیل به‌وسیله قرآن کریم(بقره: ۹۷؛ آل عمران: ۳؛ نساء: ۴۷؛ مائده: ۱۷ و ۴۸؛ انعام: ۹۲؛ یونس: ۲۷، یوسف: ۱۱۱؛ فاطر: ۳۱)

- توصیه قرآن کریم به مسلمانان در مورد ایمان به کتاب‌های قبل از قرآن که یکی از آنها انجیل است.(نساء: ۱۳۶)

- تأیید کتاب انجیل به این که در آن اوصاف رسول خدا(ص) آمده است(نساء: ۱۳۶)

- تأیید قرآن نسبت به کتاب‌های پیشین که یکی از آنها، کتاب انجیل است(همان: ۱۳۶)

- اطلاع دانشمندان بنی اسرائیل از قرآن، که از کتاب انجیل درباره آن آگاهی پیدا کرده بودند(همان)

۴-۱-۵. آیات مربوط به مؤمنان و حواریون

آخرین بخشی که به‌عنوان ارتباط با مسیحیان براساس احترام به شخصیت‌ها و مقدسات ایشان می‌باشد، بیان

۹. وحدت براساس توصیه دوستی مسلمانان با مسیحیان بدلیل وجود دانشمندان عابد و خدا ترس و پیروی ایشان از حق. (همان: ۵)

این توجه اسلام به مسیحیت می توان مدخلی برای رسیدن به وحدت و رفع سوء تفاهات باشد.

۱۰. وحدت براساس این که محوریت دعوت حضرت ابراهیم(ع)، حضرت موسی(ع) و حضرت عیسی(ع) بر این بوده است که دین را به پا دارید و فرقه فرقه نشوید. (شوری: ۱۳)

۱۱. وحدت براساس کلام حضرت عیسی(ع) بر محوریت توحید و تقوی الهی و اطاعت از خداوند است. (زخرف: ۶۳ و ۶۴) این ویژگی که دستورات تمامی انبیاء الهی می باشد، می تواند به عنوان موضوعی برای نزدیکی اسلام و مسیحیت مورد توجه قرار گیرد.

۱۲. وحدت بر موضوع تعداد مأموران دوزخ (۱۹ نفر) با آنچه در قرآن آمده تا اهل کتاب یقین به حقایق قرآن کنند (مدر: ۳۱).

به طور کلی در هر ۱۲ موردی که از آیات قرآن بدست آمد، ظرفیت این را دارد که به عنوان یک موضوع قابل طرح در مقام گفتگو مورد بررسی قرار گیرد و در ادامه بتوان به وحدت دو دین نزدیک شد.

۳-۵. بشارت به مسیحیان مومن و تابع حق (هدایت شده) در این جا آیات قرآن اشاره ای به خصوصیت مسیحیان حقیقی و مومن که تابع حق هستند، می کند. این مرحله مخاطب قراردادن مسیحیان از این روست که بعد از این که قرآن در ابتداء با احترام به مکتب مسیحیت و تأیید شخصیت های طراز اول آن، مسیحیان را به وحدت و همگرایی دعوت کرد، نتیجه آن عده ای از اهل کتاب به ندای حق لبیک گفته و با ایمان و عمل صالح مورد لطف و مغفرت الهی قرار گرفتند:

میانه است و خود او هم از مشرکین نبود (بقره: ۱۳۵) چگونگی برداشت وحدت و اشتراک مسلمانان و مسیحیان در این موضوع به این معناست که هم مسلمانان و هم مسیحیان به پیامبری حضرت (ع) ایمان داشتند. از این رو با توجه به این که هر دو مکتب (اسلام و مسیحیت) حضرت ابراهیم(ع) را پیامبر آسمانی می دانستند با بررسی ویژگی های ایشان می توان به وحدت و رفع سوء تفاهم ها دست یافت.

۲. وحدت براساس توحید و آنچه که بر پیامبران و انبیاء نازل شده (کتب ایشان) که می توان براساس این دو موضوع، یعنی گانگی خدا و دستورات کتاب های آسمانی به اشتراکاتی نزدیک شد (همان: ۱۳۶؛ عنکبوت: ۴۶)

۳. وحدت براساس تسلیم بودن برای خدا که یکی از نشانه های اعتقاد به یگانگی خداوند متعال می باشد (آل عمران: ۲۰)

۴. وحدت براساس اعتقاد به یگانگی خداوند و شریک نگرفتن برای خدا، و اینکه بعضی را برای خود ارباب نگیریم (همان: ۶۴)

۵. وحدت براساس ایمان پیامبر اسلام (ص) به حضرت عیسی(ع) و کتاب انجیل تحریف نشده بر محوریت توحید و عدم اختلاف در مکتب انبیا. (آل عمران: ۸۴)

۶. وحدت براساس مساوی بودن مسلمانان و اهل کتاب در مورد گناه، که هر که گناه کند، کیفر می بیند. (نساء: ۱۲۳)

۷. وحدت براساس وحی، که از جانب خدا از حضرت نوح(ع) تا رسول خدا(ص) وحی می شده است (نساء: ۱۶۳؛ عنکبوت: ۸) که وحییکی از موضوعاتی خواهد بود که در فضای گفتگو و منطق می توان به وحدت با مسیحیان کمک نماید.

۸. وحدت در مورد این که می توان با زنان پاکدامن اهل کتاب، ازدواج کرد. (مائده: ۵)

می‌کنند. (اسرا: ۱۰۷)

۱۲. مسیحیان مومن علیه کفار بی‌رحمند و در بین خود رحیم و دلسوزند، ایشان را می‌بینی که همواره در رکوع و سجودند و در طلب فضل و رضوان خدایند. علامتشان در رخسارشان از اثر سجده نمایان است، مثل ایشان در انجیل مانند زراعتی که جوانه‌های خود را رویانده و ضخیم و زیاد شده و دارای اجر عظیم و مغفرت از جانب خداوند متعال خواهند بود. (فتح: ۲۹). آیه به این نکته اشاره می‌کند که خدای تعالی به مؤمنین برکت داده، و روز به روز به عده و نیروی آنان اضافه می‌شود.

۱۳. یکی دیگر از خصوصیات مسیحیان مؤمن و تابع حق این است که کسانی که قبل از قرآن کتاب به ایشان دادیم به قرآن ایمان می‌آوردند و چون قرآن برایشان خوانده می‌شود می‌گویند بدان ایمان آوردیم و آن حق و از ناحیه پروردگار ماست و ما قبلاً اسلام آورده بودیم. (قصص: ۵۲ - ۵۳)

۱۴. از دیگر ویژگی‌های مسیحیان مومن و تابع حق این بود که به خاطر صبری که داشتند و بدی مردم را با خوبی خود دفع کردند و اهل انفاق هستند دوبار پاداش می‌بینند. (همان: ۵۴)

۱۵. ویژگی دیگر ایشان، مؤمنان اهل کتاب از سخن بیهوده رو برمی‌گردانند. (همان: ۵۵)

۱۶. یکی دیگر از خصوصیات مسیحیان مومن و تابع حق، ایمان ایشان به اسلام هنگام دیدن حضرت عیسی (ع) به هنگام مرگ. (نساء: ۱۵۹)

۴-۵. هشدار و سؤال از مسیحیان

بعد از آن‌که قرآن با شیوه رحمانی با مسیحیان ارتباط برقرار نمود و آن‌ها را به وحدت دعوت کرد، عده‌ای از اهل کتاب آن را اجابت کردند و مورد رضوان الهی

۱. بشارت به مسیحیان مومن و تابع حق که دارای ایمان به خدا، ایمان به قیامت و انجام عمل صالح و نتیجه آن اجر و پاداش نزد خداوند و حزن و ترسی نخواهند داشت. (بقره: ۶۲؛ مائده: ۶۹).

۲. بشارت به مسیحیان مؤمن و پیروان حضرت عیسی (ع) که از کافران برترند. (آل عمران: ۵۵)

۳. یکی از ویژگی‌های مسیحیان مومن و تابع حق، امانت دار بودن ایشان است. (همان: ۷۵)

۴. یکی دیگر از خصوصیات مسیحیان مؤمن و تابع حق، شب‌زنده‌دار و تلاوت آیات خدا در لحظه لحظه‌های شب داشتند و سجده می‌کردند. (همان: ۱۱۳).

۵. مسیحیان مؤمن و تابع حق اهل عبادت و بندگی، ایمان به خدا و قیامت داشتند، اهل امر به معروف و نهی از منکر، شتابان در کار خیر و از صالحان‌اند. (همان: ۱۱۴)

۶. مسیحیان تابع حق، مومن به خدا و کتاب قرآن، فروتن و خاشع که آیات خدا را به بهای اندک نمی‌فروشدند و نزد خدا پاداش شایسته‌ای دارند. (همان: ۱۹۹)

۷. بشارت به مسیحیان مومن که در صورت ایمان راستین و تقوی الهی، گناهان ایشان محو و بهشت جایگاهشان خواهد بود. (همان: ۶۵)

۸. مسیحیان مومن با این ویژگی از ایشان در قرآن کریم یاد می‌شود: اهل میانه‌روی و اعتدال، عمل‌کننده احکام و دستورات انجیل به همراه بهرمنندی از برکات آسمانی هستند. (همان: ۶۶)

۹. دارای ایمان به خدا و رسول، با شنیدن آیات الهی گریه می‌کنند، به خاطر عقاید صادق ایشان وعده بهشت داده شده‌اند و از نیکوکارانند. (مائده: ۸۳-۸۵)

۱۰. بشارت به مسیحیان مومن به وعده بهشت برای این‌که اهل جهاد در راه خداوند هستند. (توبه: ۱۱۱)

۱۱. مسیحیان مومن و عالم با شنیدن آیات الهی سجده

ورزید ضرری به خدا نمی‌زند. (نساء: ۱۳۱)
 ۹. هشدار و آگاهی به این نکته که مسیح از این‌که بنده خداست ابایی ندارد (چرا او را خدا می‌دانید). (همان: ۱۷۲)
 ۱۰. هشدار و سوال از آن‌ها که چرا دانشمندان اهل کتاب این‌که قرآن کتاب آسمانی است، کتمان واقعیت می‌کردند. (انعام: ۱۱۴)

۱۱. هشدار به این‌که اوصاف پیامبر اسلام (ص) در تورات و انجیل آمده‌است (چرا کتمان می‌کنید) (اعراف: ۱۵۷)

۱۲. چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید، با این‌که خدای تعالی بر آنچه می‌کنید ناظر و شاهد است. (آل عمران: ۹۸)
 ۱۳. چرا درباره آیات خدا کفر می‌ورزید و کتمان می‌کنید و مانع هدایت دیگران می‌شود در حالی‌که علم به حقانیت آیات الهی دارید. (همان: ۹۹)

۱۴. هشدار و توجه به این نکته که قبل از این‌که چهره‌های شما (اهل کتاب) را از شکل و صورت محو کنیم و مانند اصحاب سبت لعنت شوید، ایمان بیاورید. (نساء: ۴۷ و ۵۲)

۵-۵. دعوت مسیحیان به تفکر

بعد از آن‌که قرآن کریم اهل کتاب را نسبت به کتمان حقایق هشدار داد، آن‌ها را دعوت می‌کند با تفکر و نگاه عقلانی به بعضی از معتقدات (که صرف ادعا و بی‌دلیل می‌باشد) توجه کنند، چراکه نگاه عقلانی، آن‌ها را به وحدانیت خداوند و رسیدن به هم‌دلی و همگرایی با اسلام هدایت می‌کند. در این بخش با طرح ۱۰ موضوع مسیحیان را نسبت به تفکری که دارند، مورد نقد قرار داده و آن‌ها را به تفکر فرامی‌خواند:

۱. دعوت به تفکر به این‌که مثل عیسی (ع) مثل حضرت آدم (ع) است که از خاک آفریده شده‌است. (آل عمران: ۵۹)

قرار گرفتند، ولی عده ای از اهل کتاب با کتمان حق و علمی که به آیات حق داشتند، راه ضلالت و گمراهی را پیش گرفتند و قرآن کریم با لحن هشداردهنده که در آن لطف و رحمتی خفی می‌باشد، مسیحیان را مورد خطاب قرار می‌دهند که شاید متنبه شوند.

۱. هشدار به این‌که اهل کتاب در آن اختلاف نکردند، مگر بعد از آن‌که به حقانیت آن یقین داشتند و خصومتی که در بین خود داشتند و اداری به اختلافشان کرد و کسی که به آیات خدا کفر بورزد باید بداند که خدا سریع الحساب است. (آل عمران: ۱۹)

۲. هشدار به این نکته که بعضی از اهل کتاب بدنبال گمراه کردن مومنان هستند در حالی‌که هدایت فقط از جانب خداست. (بقره: ۱۲۰)

۳. هشدار و توجه به این موضوع که بعضی از اهل کتاب هدایت را فقط در یهود و نصاری می‌دانند، اما مومنان، ملت ابراهیم (ع) را پیروی می‌کنند که دینی میانه است و خود او هم از مشرکین نبود. (همان: ۱۳۵)

۴. هشدار و سوال از آن‌ها که چرا کتمان واقعیت (این‌که حضرت ابراهیم (ع) یهودی و نصرانی نیست) می‌کنند (همان: ۱۴۰).

۵. هشدار و سوال از آن‌ها که چرا پیامبر اسلام (ص) را که همانند پسرانان می‌شناختید، ولی حق را کتمان می‌کنید. (همان: ۱۴۶؛ انعام: ۲۰)

۶. هشدار و سوال از آن‌ها که چرا جدل درباره دین حضرت ابراهیم (ع) (که بعضی می‌گفتند یهودی است و بعضی دیگر می‌گفتند مسیحی است) می‌کنید در حالی‌که واقعیت را نمی‌دانید و او خداپرست و مشرک نبود. (آل عمران: ۶۷)

۷. چرا اهل کتاب حقایق را کتمان و حق و باطل را مشتبه می‌کنید. (مائده: ۷۰-۷۱)

۸. هشدار به این‌که تقوی داشته باشید که اگر کفر

پدید آمدن چیزی را اراده کند، پس موجود می‌شود. (مریم: ۳۵).

۶-۵. بیان ویژگی‌های مسیحیان کافر و وعده عذاب

آیات این بخش ناظر به این است که اهل کتاب بعد از آن‌که ایشان را به وحدت و سپس هشدار از اشتباه ایشان در عدم پذیرش حق و دعوت به تفکر فراخواند، باز عده‌ای از اهل کتاب به سبب گناه، حسادت، هوس‌های دنیا، نفاق و تجاوز از حدود الهی، در مقابل آیات روشن استنکاف کردند. از این رو قرآن کریم با عنوان کافران اهل کتاب به معنای این‌که حق را پوشانند، چهره واقعی آن‌ها را بیان می‌نماید و در بعضی آیات علت مخالفت و عدم پذیرش حق را بیان می‌کند و به ایشان وعده عذاب می‌دهد:

۱. کافران اهل کتاب مایل نیستند خیری به مومنان برسد، در حالی که فضل خدا به اراده آن‌ها نیست. (بقره: ۱۰۵)

۲. کافران اهل کتاب به دلیل حسد مایل هستند شما از ایمانتان دست بکشید. (همان: ۱۰۹؛ نساء: ۵۴)

۳. علت عدم قبول آیات الهی اهل کتاب به دلیل هوا و هوس است. (بقره: ۱۴۵)

۴. نتیجه کتمان حق (کافران اهل کتاب) و نشانه‌های خدا، لعنت خدا و لعنت‌کنندگان است. (همان: ۱۵۹) این آیه علت مستحق‌شدن عذاب الهی برای کافران اهل کتاب را بیان می‌کند.

۵. کافران اهل کتاب حلال و حرام خدا را مشتبه و پنهان می‌کنند که نتیجه این کارشان، آتش عذاب در شکمشان و این‌که خدا با آن‌ها در روز قیامت سخن نمی‌گوید و از زشتی پاک نمی‌شوند و عذاب دردناکی خواهند داشت (همان: ۱۷۴).

۶. کتمان حق اهل کتاب به دلیل حسد و تجاوز میان

۲. این‌که بهشت فقط برای یهودیان یا نصاری می‌باشد، دروغی بیش نیست، که باید برای ادعای خود دلیل بیاورند. (بقره: ۱۱۱) این آیه مسیحیان را دعوت به تعقل و آوردن منطق برای ادعای خود می‌کند.

۳. دعوت به تعقل و این‌که اعتقاد باطلی است که می‌گویند: خداوند برای خود فرزندی گرفته، در هر حالی که هر چه در آسمان و زمین است، مملوک خداست. (همان: ۱۱۶)

۴. چرا درباره حضرت ابراهیم (ع) جدل می‌کنید، در حالی که تورات و انجیل بعد از او آمده، چرا تعقل نمی‌کنید. (آل عمران: ۶۵)

۵. در دین غلو نکنید و جز حق نگویند و نگویند خدا ترکیبی از اب، ابن و روح القدس است، پاک و منزه است خدا از این‌که فرزندی داشته‌باشد. (نساء: ۱۷۱) چنین اعتقادی که خدا ترکیبی از سه موجود باشد به دلایل عقلی باطل بوده، از این رو ایشان را به تعقل دعوت می‌کند.

۶. اهل کتاب معتقدند ما پسران خداییم و دوست او، پس چرا خدا شما را به خاطر گناهانتان عذاب می‌کند، بلکه شما هم بشر هستید و مالکیت و فرمانروایی از آن خداست. (مائده: ۱۸)

۷. حضرت مریم (س) و فرزند وی (مسیح) غذا می‌خورند و نیازمند خوراک بودند، آیا به جای خدا چیزی را می‌پرستید که دفع هیچ زیان و جلب سودی را ندارد (همان: ۷۵-۷۶)

۸. حضرت مسیح (ع) خدا بودن خود را رد کرده و خود را بنده‌ای از بندگان خدا می‌داند. (مائده: ۱۱۶-۱۱۷)

۹. این‌که مسیح پسر خداست، سخن بی‌دلیل است. (توبه: ۳۰-۳۱) از این رو باید مسیحیان در اعتقادات با تعقل و منطق عمل کنند.

۱۰. خدا را سزاوار نیست فرزندی بگیرد، بلکه

خودشان بود و خداوند سریع الحساب است (آل عمران: ۱۹؛ شوری: ۱۴)

۷. علما و دانشمندان ناخلف اهل کتاب در بین مومنین ایجاد تردید، می کنند. (همان: ۷۲) این آیه نوع فعالیت عالم نماهای اهل کتاب را بیان می دارد.

۸. کافران اهل کتاب به دلیل انکار آیات خدا، کشتن پیامبران و نافرمانی خدا و تجاوز از حدود الهی دچار ذلت و خواری و خشم خدا خواهند بود. (همان: ۱۱۲)

۹. اهل کتاب به دلیل نفاق، هنگامی که به مومنین خیری می رسد ناراحت می شوند و زمانی که بلایی به آنها می رسد خوشحال می شوند. (آل عمران: ۱۲۰) این آیه با مقابله صریح، رفتار نادرست اهل کتاب با مسلمان را بیان می کند.

۱۰. دوستی نکردن با اهل کتاب به دلیل کفر و انکار حق ایشان است. (مائده: ۵۱) این آیه نوعی مقابله صریح با کسانی هستند که کافر به حق شده اند.

۱۱. دوستی نکردن با یهود و نصاری به دلیل مسخره کردن عبادات (نماز) مومنان است. (مائده: ۵۷-۵۸)

۱۲. عیب جویی اهل کتاب از مسلمانان به دلیل فاسق بودنشان است. (همان: ۵۹)

۱۳. کسانی که گفتند مسیح خداست، کافرند و بهشت برآنان حرام و جایگاهشان آتش است. (همان: ۷۲)

۱۴. کسانی که گفتند خدا (پدر، پسر، روح) کافرند و عذاب دردناکی دارند (همان: ۷۳)

۱۵. کسی که بگوید مسیح فرزند خداست، کافر است؛ زیرا خداوند می تواند مسیح و مادر وی و تمام کسانی که در روی زمین هستند را هلاک کند. مالکیت در اختیار و تحت سیطره خداست و کسی در برابر اراده و قدرت او نمی تواند باشد. (مائده: ۱۷)

۱۶. مقابله صریح با اهل کتاب که به دلیل سرگرمی در امور دنیا و مشغول شدن به آرزوها دور و دراز دلشان

سخت و نافرمانی خدا را کردند. (حدید: ۱۶)

۱۷. خدا بر دل هاشان مهر زده بود به دلیل کفر به نبوت حضرت عیسی (ع) و افتراء به حضرت مریم (س) (نساء: ۱۵۵ و ۱۵۶)

۱۸. کسانی که کافرند و از مومنان عیب جویی می کنند لعنت و خشم خدا بر ایشان است. (مائده: ۵۹ - ۶۰)

۱۹. لعنت حضرت عیسی (ع) بر پیروان گمراه به دلیل نافرمانی خدا، تجاوز از حدود الهی و این که نهی از منکر نمی کردند. (همان: ۷۸)

۲۰. کافران اهل کتاب متفرق و پراکنده نشدند، جز بعد از بیان دلایل روشن و داخل دوزخ خواهند شد و بد مخلوقاتی هستند. (بینه: ۶)

آنچه از آیات فوق بدست می آید، این که قرآن کریم با بیان علت مخالفت اهل کتاب در پذیرش حق، نتیجه این مخالفت را عذاب و قطع ارتباط و دوستی مومنین با ایشان می داند.

۷-۵. مباهله و دستور به جنگ با مسیحیان

در این مرحله، آخرین شیوه برخورد قرآن کریم با اهل کتاب و مسیحیان است که دستور قطع رابطه و جنگ با معاندان و منکران حقایق روشن الهی را می دهد. شاید این تصور پدید آید که چرا قرآن کریم چنین شیوه ای را ارائه می نماید؟ در پاسخ چنین باید گفت: نگاه قرآن کریم به انسان بر مبنای فطرت پاک او که بر محوریت خداجویی و وحدانیت خداست، می باشد و در این راه به دنبال هدایت انسان از فتنه ها و گمراهی های زمینیان است. از این رو کسانی که به مقابله و عناد در مسیر هدایت انسان ها گام بردارد، در ابتدا با هشدار و دعوت به تفکر به دنبال متنبه کردن آنها می باشد، ولی در صورت ادامه و عدم قبول هدایت و واقعیت دستور به نابودی آنها می دهد، چراکه بنا بر آیه شریفه ۱۷۹ سوره اعراف که

دست یافت.

۲. در مرحله دوم قرآن کریم پس از تأیید برخی از مفاهیم اعتقادی مسیحیان، آن‌ها را دعوت به وحدت می‌کند تا با محور توحید و نفی شرک و طاغوت بتوان به احساس و فهم مشترکی در ارتباط با یکدیگر رسید.

۳. پس از آن که یک مسیحی با تأییداتی که از سوی اسلام برای آرمان‌های دینی خود به دست آورد و بر محوریت توحید، حاضر به وحدت با مسلمانان شد، مرحله بعدی از نگاه قرآن بیان می‌شود و آن بشارتی از رحمت الهی و مغفرت برای ایشان است.

۴. در این مرحله در صورتی که به دلیل تعصب، حسادت یا جهالت، مسیحیان انکار حقانیت اسلام کنند قرآن با کلام هشدار و تهدید از آن‌ها می‌خواهد طبق واقعیت‌هایی که از دین خود می‌دانند، عمل کنند و بر محوریت توحید با اسلام وحدت ایجاد نمایند.

۵. در صورتی که هشدار فایده‌ای نداشته باشد، قرآن کریم با ادبیات منطقی مسیحیان را دعوت به تفکر در مبانی اعتقادی خود می‌نماید و از آن‌ها می‌خواهد با عقل سلیم به موضوعاتی که به آن علم ندارند یا دچار خرافه‌گری شده‌اند، دوباره فکر کنند و در مسیر الهی گام بردارند.

۶. در این مرحله از ارتباط، در صورتی که مسیحیان بر اعتقادات و جهالت‌های خود اصرار ورزند، قرآن کریم با لحن صریح به آن‌ها وعده عذاب و خسارت را بشارت می‌دهد.

۷. در پایان در صورتی که مسیحیان دست از اعتقادات خود برنداشته و با ایجاد تفرقه و شبهه در میان مسلمانان نفوذ پیدا کنند، قرآن دستور به جنگ و نفرین آن‌ها و

می‌فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹) آن‌ها از مرتبه انسانیت خارج شده و از بهائم هم پس‌ترند و جایگاه‌شان دوزخ خواهد بود.

آیات این بخش شدیدترین نوع برخورد با کافران اهل کتاب را بیان می‌نماید که عبارتند از:

۱. در صورتی (اهل کتاب) که آیات حق را شناختند و باز مجادله کردند با آن‌ها مباحله (نفرین) کن. (ال عمران: ۶۱)

۲. علت جنگ با ایشان (اهل کتاب) عدم ایمان به خدا و قیامت و حلال دانستن حرام‌الهی و نپذیرفتن دین حق بود. (توبه: ۲۹)

۶- الگوی قرآن کریم در ارتباطات فرهنگی مسلمانان با مسیحیان

قرآن که آخرین متن مقدس فرستاده شده از طرف خداوند است، ارتباط هفت مرحله‌ای مسلمانان با مسیحیان را توصیه می‌نماید. نکته اساسی در این هفت مرحله آن است هر مرحله در صورتی که مرحله قبل از آن تحقق نیافته باشند، محقق خواهد شد. این هفت مرحله عبارتند از:

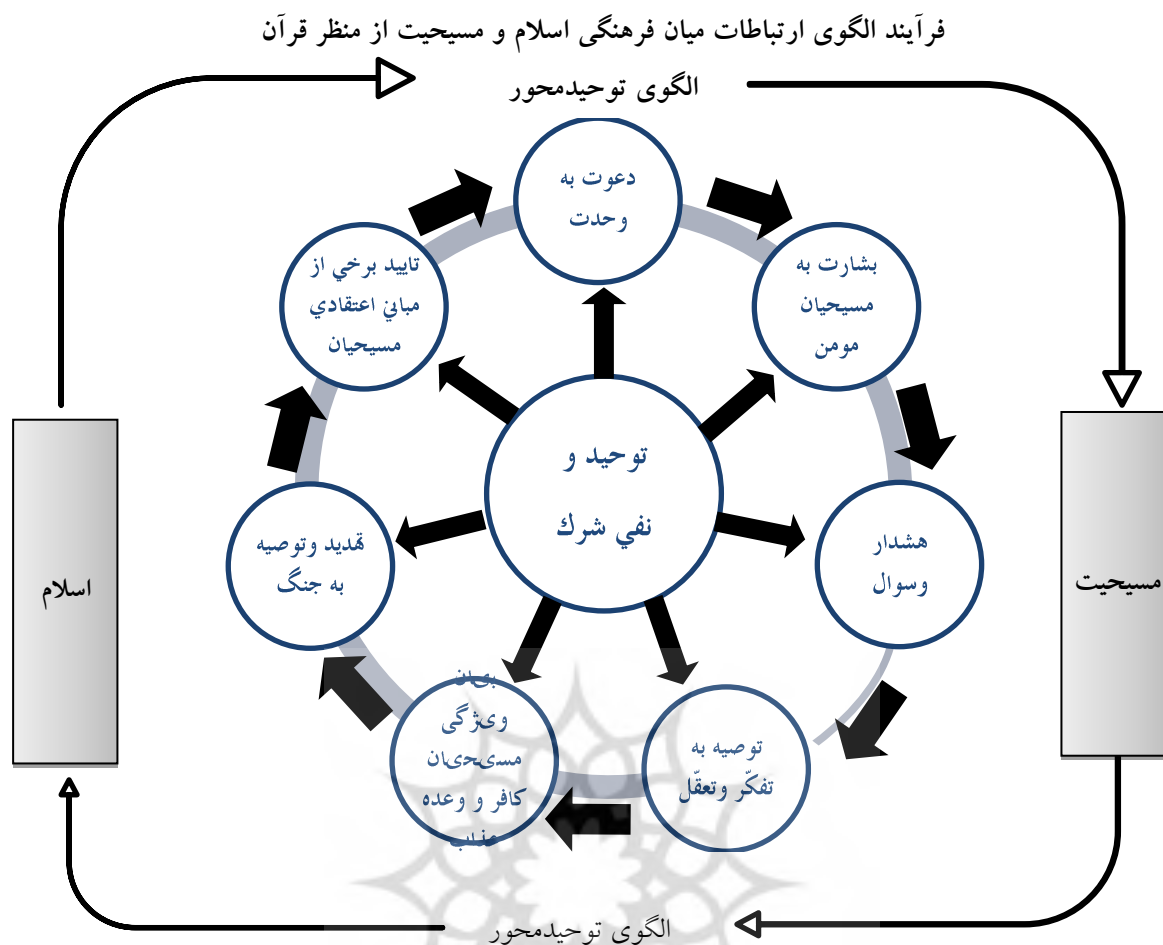
۱. تأیید برخی از مبانی مسیحیان مانند کتاب انجیل، حضرت عیسی (ع)، حضرت مریم (س) و حواریون؛ زمینه‌سازی گفتگویی سازنده را فراهم می‌سازد. وجود گفت‌وگوی سازنده و وحدت‌ساز در رفع بسیاری از معضلات جهان تأثیر مستقیم دارد؛ اما این امر مهم نیازمند بسترهای مناسبی است که یکی از آنان، گفت‌وگو بر محور امور مشترک است و با مفاهیم روی بسیاری از مشترکات مثبت مانند؛ اعتقادات، ایده‌ها، آرمان‌ها، دردها و احساس‌های مشترک، می‌توان به تحقق دیالوگ جهانی

تقاضای عذاب در همین سرای دنیا را می‌دهد.

نتیجه

هدف در این پژوهش بررسی و ارائه الگو از آن دسته آیات قرآن کریم بود که به رابطه مسلمانان با مسیحیان پرداخته‌اند. براساس فراوانی آیات ارتباط مسلمانان با مسیحیان در هفت مرحله و با محوریت توحید، قابل استخراج و قالب الگویی ارائه‌شد. تأیید برخی از مبانی مسیحیان درباره انجیل، حضرت عیسی(ع)، حضرت مریم(س) و حواریون، دعوت به وحدت، بشارت به مسیحیان حقیقی، هشدار و تهدید، دعوت به تفکر، بیان ویژگی‌های مسیحیان کافر و وعده عذاب و در نهایت دستور به مباحله و جنگ هفت مرحله‌ای است که قرآن کریم در ارتباط با مسیحیان به آن اشاره کرده‌است. قرآن کریم در ابتدا با تأیید برخی از مبانی مسیحیان مانند کتاب انجیل، حضرت عیسی(ع)، حضرت مریم(س) و حواریون زمینه گفتگویی سازنده را فراهم می‌کند. مرحله دوم، پس از تأیید برخی از مفاهیم اعتقادی مسیحیان آن‌ها را دعوت به وحدت می‌کند تا با محور قراردادن توحید و نفی شرک و مبارزه با طاغوت خودشان را به یک بلوغ، احساس و فهم مشترکی در ارتباط با دیگری نزدیک‌تر کنند. در مرحله سوم، فرد مسیحی با تأییداتی که از سوی

اسلام برای آرمان‌های دینی خود به دست می‌آورد و بر محوریت توحید حاضر به وحدت با مسلمانان می‌شود، بشارتی از رحمت الهی و مغفرت دریافت می‌کند. در مرحله چهارم، در صورتی که مسیحیان به دلیل تعصب، حسادت یا جهالت، انکار حقانیت اسلام کنند، قرآن با کلام هشدار و تهدید از آن‌ها می‌خواهد طبق واقعیت‌هایی که از دین خود می‌دانند، عمل کنند. در صورت عدم توجه مسیحیان به هشدار با ادبیات منطقی، دعوت به تفکر در مبانی اعتقادی دین خودشان شده و از آن‌ها خواسته می‌شود که با عقل سلیم به موضوعاتی که به آن علم ندارند یا دچار خرافه‌گری شده‌اند، نگرسته و در مسیر الهی گام بردارند. در این مرحله از ارتباط، در صورتی که مسیحیان بر اعتقادات و جهالت‌های خود اصرار ورزند، قرآن کریم با لحن صریح به آن‌ها وعده عذاب و خسران می‌دهد. در آخرین مرحله، اگر مسیحیان دست از اعتقادات خود برنداشته و بخواهند با ایجاد تفرقه و شبهه در میان مسلمانان نفوذ پیدا کنند، قرآن کریم بر جنگ با آن‌ها تأکید کرده و آن‌ها را مشمول نفرین ابدی قرارداده و خواستار عذاب در سرای دنیا است. الگوی زیر به خوبی روند ارتباط هفت مرحله را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱: فرآیند الگوی ارتباطات میان فرهنگی اسلام و مسیحیت از منظر قرآن

قرآن کریم در ارتباطات میان فرهنگی با بیان الگوی توحید محور ۷ شیوه مواجهه با مسیحیان را که ابتدا با تأیید برخی از مبانی، سپس دعوت به وحدت، بشارت، سوال، توصیه به تفکر، وعده عذاب و در پایان جنگ برای رسیدن به سرمنزله توحیدی بیان می‌دارد.

منابع

- قرآن کریم.
- اصفهانی، راغب (۱۴۲۶)، مفردات الفاظ القرآن، بی‌جا، مفاهیم و جایگاه، مجله «دین و ارتباطات»، تهران، دانشگاه مشورات طبعه النور، طبع الاولی.
- بریجانیان، ماری (۱۳۸۱)، فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی، مترجم: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پویا، اعظم (۱۳۸۵)، مواجهه قرآن با فرهنگ مسیحیت، تهران، انتشارات هستی‌نما.
- دشتی‌حسینی، مصطفی (۱۳۷۹)، معارف و معاریف (دایره المعارف جامع اسلامی)، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، چاپ سوم.
- رضی، حسین (۱۳۷۷)، ارتباطات میان فرهنگی (تاریخ، مفاهیم و جایگاه)، مجله «دین و ارتباطات»، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، تابستان و پاییز، شماره ۶ - ۷، صص ۱۳۵ تا ۱۶۶.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۲)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، تهران، انتشارات عطار.
- روشه، گی (۱۳۷۹)، کنش اجتماعی، مترجم: هما زنجانی‌زاده، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- سورین، ورنر و تانکار، جیمز (۱۳۸۶)، نظریه‌های ارتباطات، چاپ سوم.

- مترجم: علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شایان مهر، علی‌رضا (۱۳۷۷)، دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۶)، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، چاپ‌خانه دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نهم.
- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دارالکتب‌الاسلامیه، چاپ چهاردهم.
- کاکس، هاروی (۱۳۸۷)، مسیحیت، مترجم عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول.
- گودیکانست بی. ویلیام (۱۳۸۳)، پیوند تفاوت‌ها؛ راهنمای ارتباط کارآمد بین گروهی، مترجمان: علی کریمی و مسعود هاشمی، تهران، انتشارات تمدن ایرانی، چاپ اول.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۶۹)، ارتباط‌شناسی، ارتباطات انسانی (میان‌گروهی، جمعی)، تهران، انتشارات سروش.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۵)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، تمرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، وحی و نبوت، تهران، انتشارات صدرا.

